

ماهیت فقهی حساب‌های جاری

(با رویکرد ارائه راهکار برای اصلاح قوانین و مقررات)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶ سید عباس موسویان *

سعید کریمی **

چکیده

حساب سپرده جاری به سبب کارکردهای آن، از جمله تسهیل مبادلات پولی و بی‌نیازی صاحب حساب از حمل و نگهداری وجوه نقد، اعتبار سندیت در پرداخت‌ها و دریافت‌ها و حفظ پول در بانک، اهمیت فراوانی دارد. با توجه به قانون بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران، رابطه حقوقی سپرده‌گذار با بانک در سپرده جاری، قرض می‌باشد؛ به همین جهت بانک‌ها خود را مالک وجوه می‌دانند؛ در نتیجه در این سپرده‌ها تصرف مالکانه می‌کنند، بر اساس این سپرده‌ها خلق پول می‌کنند و با استفاده از مانده این حساب‌های مجانی برای خود کسب سود می‌کنند. این در حالی است که بر اساس ارتکاز عرفی، سپرده‌گذار حساب جاری، وجوه خود را به نیت قرض به بانک واگذار نمی‌کند و قصد تملیک به بانک ندارد، بلکه هدف سپرده‌گذار از این حساب، سامان دادن دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از طریق خدمات حساب جاری است و هر زمان هم از پولش سؤال شود، می‌گوید: گذاشتم بانک تا هر وقت لازم شد، بردارم. در نتیجه یک نوع تفاوت و تناقض بین رفتار بانک

*. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (samosavian@yahoo.com)

**. دانش‌آموخته حوزه و دکتری اقتصاد دانشگاه عدالت (stu-skarimi@edalat.ac.ir)

با مقصود سپرده‌گذار احساس می‌شود. مقاله حاضر درصدد بررسی ماهیت فقهی حساب جاری در چهارچوب عقود معین شرعی است. این مقاله که در گردآوری اطلاعات به‌ویژه مباحث فقهی، کتابخانه‌ای و در روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است، به دنبال ارائه راه‌حل مورد تأیید شارع است تا سپرده‌گذار و سپرده‌پذیر (بانک) بتوانند از خدمات حساب جاری به صورت مشروع استفاده نمایند. در نهایت درصدد اثبات این فرضیه است که «رابطه بانک با سپرده‌گذار در حساب جاری بر اساس عقد صلح قابل تعریف بوده و همه انتظارات از حساب جاری قابل حصول است». طبق یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود قانون عملیات بانکی بدون ربا بر اساس این رویکرد مورد بازبینی قرار گرفته و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن مجدداً بازبینی گردد.

واژگان کلیدی: بانکداری بدون ربا، عقود اسلامی، حساب جاری، قرض، ودیعه،

صلح

مقدمه

در بانکداری بین‌المللی حساب‌هایی وجود دارند که به منظور عملیات روزمره دریافت و پرداخت استفاده می‌شوند. به این گونه حساب‌ها هیچ‌گونه سودی از طرف بانک پرداخت نمی‌شود، ولی خدمات گسترده‌ای از قبیل کارت و چک روی آن تعریف می‌گردد. به این سپرده‌ها، سپرده جاری^۱ گفته می‌شود (palgrave:1992). این گونه حساب‌ها نه تنها مشمول سود بانکی نیستند، حتی در برخی بانک‌های خارجی از این گونه حساب‌ها کارمزد هم دریافت می‌کنند (بهمند و بهمنی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). سپرده حساب جاری نسبت به سپرده‌های دیگر بانکی دارای مزایای متعدد و محدودیت‌های کمتری است؛ از جمله:

الف) حساب جاری برای معاملات روزانه به صورت مکرر و منظم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) حساب جاری مناسب نهادهای کسب و کار و ادارات دولتی و نهادهاست.

ج) محدودیتی در تعداد معاملات روزانه در مورد حساب‌های جاری مطرح نیست. قانون بانکداری بدون ربا در شهریور سال ۱۳۶۲ تصویب و در سال ۱۳۶۳ به اجرا درآمد. ماده ۳ فصل دوم قانون اشاره دارد که بانک‌ها می‌توانند تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت ورزند:

الف) سپرده قرض الحسنه (۱. جاری ۲. پس‌انداز)

ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

واژه قرض الحسنه به رابطه حقوقی سپرده‌گذار با بانک، و واژگان جاری و پس‌انداز به نوع سپرده اشاره دارد. بنابراین مطابق بند الف ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، رابطه حقوقی سپرده‌گذار با بانک در سپرده جاری، قرض الحسنه یا

قرض بدون بهره می‌باشد. به همین جهت بانک‌ها خود را مالک وجوه می‌دانند؛ در نتیجه در این سپرده‌ها تصرف مالکانه می‌کنند، بر اساس این سپرده‌ها خلق پول می‌کنند و با استفاده از مانده این حساب‌ها، برای خود کسب سود می‌کنند و از سود کسب‌شده به سپرده‌گذار هیچ چیزی نمی‌پردازند.

خصوصیت بارز این نوع سپرده‌ها برخورداری از درجه نقدینگی بالاست؛ زیرا اولاً خود سپرده‌گذار هرگاه بخواهد می‌تواند به بانک مراجعه و مقداری از موجودی خود را دریافت کند. ثانیاً چکی که سپرده‌گذار بر اساس موجودی خود صادر می‌کند، در صورت اعتبار صاحب آن نقش پول را در مبادلات ایفا نموده و ممکن است قبل از رفتن به بانک چند دست گردش کند (توکلی، ۱۳۹۳: ۳۹). به عبارت دیگر حساب سپرده قرض‌الحسنه جاری حسابی است که به موجب قرارداد منعقد شده بین بانک و متقاضی (اشخاص حقیقی یا حقوقی) نزد بانک افتتاح شده و بانک به موجب چک یا دستور کتبی صاحب حساب به وسیله خودش یا اشخاص تا میزان موجودی حساب را یکجا یا به دفعات، پرداخت یا منتقل یا برداشت می‌نماید. البته بانک‌ها هم از این حساب سودمند هستند. بانک‌ها، با استناد به مالکیت خود بر این منابع، برخلاف تبلیغات خود و برخلاف اهداف برخی از سپرده‌گذاران، منابع این نوع سپرده‌ها را به جای اینکه وام قرض‌الحسنه بپردازند، در اعطای تسهیلات سودآور به کار می‌گیرند.

این در حالی است که بر اساس ارتکاز عرفی، سپرده‌گذار حساب جاری، وجوه خود را به نیت قرض به بانک واگذار نمی‌کند و قصد تملیک به بانک ندارد، بلکه هدف سپرده‌گذار از این حساب سامان دادن دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از طریق خدمات حساب جاری است و هر زمان هم از پولش سؤال شود، می‌گوید: در بانک گذاشتم تا هر وقت لازم شد بردارم. در نتیجه یک نوع تفاوت و تناقض بین رفتار بانک با مقصود سپرده‌گذار احساس می‌شود. به عبارت دیگر در این حساب نه سپرده‌گذار و نه بانک به دنبال اهداف خیرخواهانه نیستند؛ هدف سپرده‌گذار استفاده از

خدمات حساب جاری است و هدف بانک نیز استفاده از مانده این حساب‌ها برای کسب سود است.

با توجه به تناقض ارتکاز عرفی و متن قانون بانکداری بدون ربا، مقاله حاضر درصدد بررسی ماهیت فقهی حساب جاری در چهارچوب عقود معین شرعی است. این مقاله که در گردآوری اطلاعات، به‌ویژه مباحث فقهی، کتابخانه‌ای، و در روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است، به دنبال ارائه راه‌حل مورد تأیید شارع است تا سپرده‌گذار و سپرده‌پذیر بتوانند از خدمات حساب جاری به‌صورت مشروع استفاده کنند و در نهایت درصدد اثبات این فرضیه است که: «می‌توان رابطه بانک با سپرده‌گذار را در حساب جاری بر اساس عقود معین، به‌ویژه عقد صلح توجیه کرد».

۱. تاریخچه حساب‌های جاری

پیدایش حساب‌های جاری هم‌زمان با شکل‌گیری بانک به وجود آمد؛ به همین دلیل برای به‌دست آوردن تاریخچه حساب‌های جاری، ناچار هستیم به تاریخچه شکل‌گیری بانک‌داری اشاره نماییم. از همان هنگامی که پول فلزی گران‌بها به‌صورت اولیه مرسوم شد، بانک به مفهوم ابتدایی آن به‌عنوان پدیده‌ای لازم رخ نمود. در تمدن‌های قدیمی، معابدی وجود داشته که در آنها گنجینه‌هایی نگهداری می‌شد که لزوماً تا ابد دست نخورده باقی نمی‌ماندند، بلکه معابد در بسیاری از نقاط به مؤسسات وام‌دهنده تبدیل شدند. این معابد با کسب شهرت، نه‌تنها شروع به جمع‌آوری هدایا کردند، بلکه به قبول سپرده نیز پرداختند. بدین‌سان برای عامه مردم فرصتی پیش آمد تا اجناس با ارزش خود را در محلی مطمئن به امانت بگذارند و معابد نیز موفق شدند وام‌های بیشتری اعطا کنند و در نتیجه بهره‌های قابل توجهی نیز به دست آوردند. خطرهای ناشی از نقل و انتقال پول، وصول مطالبات از مشتریان دور و نزدیک و سپردن وجوه نقد به جایی امن و مطمئن، نخستین علل ایجاد بانک و بانکداری در جهان به شمار می‌روند (توتونچیان، ۱۳۷۵: ۲۷۴).

در قرن ششم قبل از میلاد در مراکز بازرگانی و معابد یونانیان ضرب سکه آغاز شد که این امر مستلزم وجود تعداد زیادی صراف بود. در ابتدا صراف‌ها به دایر کردن میزی به نام تراپوزا^۱ در بازارها قناعت کردند و بدینسان به آنها تراپوزیت^۲ گفته شد. تراپوزیت‌ها قادر بودند خدمات گوناگونی به مشتریان خود ارائه دهند که شامل این عملیات بود: جمع‌آوری سپرده‌ها، نگهداری اشیای گران‌بها، اعطای اعتبار و ضمانت، پرداخت صورت‌حساب‌ها، تبدیل و انتقال پول، بیمه‌های دریایی و تصفیه حساب‌های برداشت.

فعالیت تراپوزیت‌ها برای معابد مزاحمتی نداشت؛ زیرا آنها به انجام عملیات بانکی به صورت نقدی یا جنسی ادامه می‌دادند. اما مشتریان این دو متفاوت بودند: بازرگانان و شهرنشینان، مشتریان تراپوزیت‌ها و روستاییان و مقامات دولتی، مشتریان کاهنان بودند. مطمئن بودن معابد برای نگهداری وجوه، به‌ویژه در زمان جنگ و بروز شورش‌ها، مهم‌ترین عامل انجام عملیات صرافی و بانک‌داری در این اماکن بوده است. آغازگر حرفه بانک‌داری در جهان، صرافانی بودند که با تعیین عیار فلزات قیمتی، موجب سهولت مبادله آنها با کالاها شده و با جلب اعتماد مردم و صدور اسناد تعهد، توانستند امانتدار اموال تجاری شوند که تداوم تجارت آنان به یاری و حمایت همان صرافان امکان‌پذیر شد. اما مبادله کالا و رواج داد و ستد - چه در داخل محدوده و چه در خارج از آن - نیاز به ابزار پرداختی داشت که در تعیین ارزش و امکان سنجش انواع کالاها و خدمات پذیرفته عموم باشد تا علاوه بر انجام معاملات در وصول مطالبات از مشتریان دور و نزدیک با احتمال وقوع خطرهای ناشی از جابجایی فلزات قیمتی موجب به‌کارگیری روشی شود که فرایند آن سهولت در عملیات صرافی و کسب وام و حمایت اعتباری به پشتوانه اندوخته صرافان باشد (ریووار، ۱۳۶۹: ۳).

1. Trpeza

2. Trapezites

بررسی متون و نیز توجه به سنجیت فعالیت بانک‌ها در مقایسه با صرافان گذشته بیانگر آن است که بانکداری نو، شکل تکامل یافته صرافی‌های گذشته است؛ نهادی که ضمن برآورده نمودن نیازهای زندگی اجتماعی، به قصد انتفاع، تحقق و گسترش یافت و از پرسودترین مشاغل زمان خود به شمار می‌رفت؛ تا جایی که عامل اصلی تغییر فعالیت برخی از تجارتخانه‌ها و گرایش آنان به شغل صرافی، وجود سود سرشار بوده است. این گسترش به حدی ادامه یافت که سبب ایجاد بانک‌ها و نظام بانکداری شد (ماجدی و گلریز، ۱۳۶۷: ۱۶۹).

در شروع تاریخ بانکداری، وقتی سپرده‌گذاران می‌خواستند پرداختی را بابت معامله‌ای انجام دهند، باید ابتدا به امانت‌دار جهت دریافت بخشی از سکه‌ها مراجعه و سپس آن معامله را تأمین مالی می‌کردند که بی‌تردید این کار با مشقت همراه بود. بعدها صرافان به جای اصل پول، رسیده‌هایی (اسکناس اولیه یا بیجک) را در اختیار سپرده‌گذاران قرار می‌دادند که کاملاً به سکه طلا تبدیل پذیر بود. بعد از گذشت چندی از یک‌سو، سپرده‌گذاران دریافتند در معاملاتی که با دیگران می‌کنند، طرف مقابل به جهت اعتمادی که به صادرکننده رسیده‌ها دارد، همین رسیده‌ها را به جای اصل پول می‌پذیرد و از سوی دیگر، صرافان نیز متوجه شدند که لازم نیست تمام سکه‌ها را در صندوق نزد خود نگه دارند و فقط حفظ جزئی از آن برای رجوع احتمالی سپرده‌گذاران کافی است. در نتیجه بیش از سکه و طلای موجود، رسید صادر می‌کردند و بدین ترتیب بود که نظریه ذخایر جزئی بانکی متولد شد و صرافان از امانت‌دار صرف فلزهای گران‌بها به بانکدارانی تبدیل شدند که قادر بودند با رسیده‌های خود پول خلق کنند. بانک‌های امروزی، گرچه در صرافی ریشه دارد، ولی همان‌گونه که فعالیت‌های صرافی متناسب با شرایط و نیازهای زمانه تغییر یافت و تکامل شد، بانک‌ها نیز متناسب با نیازهای اقتصادی جامعه و همسو با آن تکامل یافته‌اند (نظری‌پور و موسویان، ۱۳۹۳: ۳۹).

در ایران نیز بر اساس اختیارات مندرج در بند ۸ از ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور و با رعایت بند الف ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، و ماده ۴۴ قانون پولی و بانکی کشور، قانون صدور چک و ماده ۷ قانون مبارزه با پول‌شویی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بازنگری در مقررات افتتاح حساب را با لحاظ قوانین و مقررات جاری کشور و همچنین با در نظر گرفتن تقویت جنبه بازرندگی مقررات حساب جاری در ارتباط با صدور چک‌های بلامحل و فراهم آوردن امکاناتی برای دارندگان چک به منظور وصول مطالبات و استیفای حقوق قانونی خود و رفع کاستی‌ها و برقراری توازن و هماهنگی بین مقررات ناظر بر چک در قانون صدور چک و مقررات افتتاح حساب جاری «دستورالعمل حساب جاری» در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید.

- حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربا دارای ماهیت قرض می‌باشد. حساب جاری خدماتی از جمله دریافت چک در اختیار صاحب حساب قرار می‌دهد. به موجودی این نوع حساب منفعتی تعلق نمی‌گیرد و بر اساس مقتضای قرارداد قرض، موجودی مزبور به ملکیت بانک درآمده و جزو منافع آن به‌شمار می‌آید. هر زمان که صاحب حساب، همه یا مقداری از موجودی خود را مطالبه کند یا چک صادر شده از سوی او به بانک برسد، بانک موظف به پرداخت آن مبلغ است.

در زمینه سپرده‌های بانکی مقالات متعددی نگارش شده که برخی از آنها عبارت است از:

میرمعزی (۱۳۸۰) در مقاله جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام و الگوی مناسب آن، به بررسی انواع عقود مالی اسلام پرداخته است. ایشان معتقدند عقد صلح عام‌ترین عقدی است که در همه بخش‌های اقتصادی کاربرد دارد و مفاد همه عقود

دیگر را می‌توان با صلح انشا کرد و در هر مقامی صحیح است، مگر آنکه موجب تحریم حلال یا تحلیل حرامی گردد.

موسویان (۱۳۸۱) در مقاله «طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا» بیان داشته که حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربا، ماهیت قرض دارد و مثل حساب جاری در همه بانک‌های سنتی است و همانند آنها خدمات جاری را در اختیار صاحب حساب می‌گذارد و به موجودی این گونه حساب‌ها هیچ سودی تعلق نمی‌گیرد.

موسویان (۱۳۸۱) در مقاله «انواع بانک‌های بدون ربا» خدمات سپرده جاری را همانند بانک‌های سنتی می‌دانند و اشخاص می‌توانند با افتتاح حساب از طریق دسته‌چکی که از بانک می‌گیرند، از موجودی حساب خود طبق مقررات بانک استفاده کنند. استفاده از حساب جاری، افزون بر حفظ پول در بانک، سبب تسهیل پرداخت‌ها می‌شود و از آنجا که برای چنین حساب‌هایی بهره پرداخت نمی‌شود، می‌توان از رابطه حقوقی قرض بدون بهره (نه قرض الحسنه) استفاده کرد و در این صورت، وجوه فراهم‌شده از ناحیه این حساب‌ها به مالکیت بانک درآمده، جزو منابع بانک خواهد بود و بانک‌ها می‌توانند با رعایت ذخایر قانونی و احتیاطی، از باقی‌مانده وجوه در اعطای تسهیلات کوتاه‌مدت استفاده کنند.

کاشانی (۱۳۸۴) در مقاله نارسایی‌های حقوقی بانکداری در ایران می‌گوید: اشخاصی که حساب جاری در یک بانک باز می‌کنند، قصد قرض دادن به بانک را ندارند؛ از همین رو چنین حسابی را نمی‌توان قرض یا قرض الحسنه نام نهاد.

به نظر تسخیری (۱۳۸۴) این گرایش که سپرده‌های جاری ماهیت قرض دارند، گرایش رایج بین فقیهان مذاهب گوناگون است. ایشان این رویکرد را در مقاله «جایگاه الفاظ و معانی در قراردادهای مالی» تقویت نموده‌اند.

توکلی (۱۳۹۳) در کتاب ساز و کار بانکداری اسلامی، پنج نظر ودیعه، ودیعه ناقص، عاریه، اجاره، قرض و عقد جدید در مورد عنوان فقهی حاکم بر سپرده‌های بانکی متعارف را مورد بررسی قرار داده است. ایشان بیان داشته‌اند که در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، از سپرده‌های جاری با عنوان سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری یاد می‌شود.

موسویان و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل نظری الگوی بانک اسلامی دبی (راهبردهایی برای اصلاح قانون بانکداری ایران)» تفاوت حساب جاری بانک اسلامی دبی را با حساب جاری بانک‌های ایران در نوع عقد مورد استفاده می‌دانند. بانک دبی از عقد ودیعه استفاده می‌کند که انعطاف‌پذیری بیشتری در ارائه خدمات بانکی دارد؛ در حالی که بانک‌های ایران از قرض‌الحسنه استفاده می‌کنند که به جهت ماهیت عقد قرض، محدودیت‌های خاصی دارد.

بابایی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی ابعاد حقوقی حساب جاری بانکی در حقوق ایران و تطبیقی» معتقدند که قرارداد حساب جاری با هیچ‌یک از عقود ودیعه یا قرض تطابق نداشته و باید آن را در زمره عقود نامعین و قرارداد خاص و مستقل تلقی نمود و برای کشف شرایط خاص انعقاد این قرارداد، آثار آن، تعهدات متقابل طرفین و ... باید از متن قرارداد که مبین قصد مشترک طرفین می‌باشد و نیز منابع پراکنده نظیر قواعد عمومی قراردادها، حقوق تجارت، عرف خاص بانکی، اصول و قواعد فقهی و حقوقی استفاده نمود. ایشان سه اثر صلی «تعهد بانک به پذیرش وجوه واریزی»، «انتقال مالکیت وجوه واریزی به بانک»، و «تعهد بانک به استرداد عندالمطالبه مثل وجوه دریافتی» را بر این نوع قرارداد مبتنی نمودند.

عزیزی (۱۳۹۷) در مقاله بررسی بانکداری بدون ربا در ایران و مقایسه آن با کشورهای منتخب در بانکداری اسلامی با رویکرد تجهیز و تخصیص منابع عنوان

کرده اند که حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربای ایران دارای ماهیت قرض است و مثل حساب جاری در همه بانک‌های سستی است و همانند آنها خدمات جاری را در اختیار صاحب حساب می‌گذارد؛ به این ترتیب که اشخاص حقیقی و حقوقی با افتتاح حساب از طریق دسته‌چکی که از بانک دریافت می‌کنند، از موجودی حساب خود به هر اندازه و به هر صورتی که مایل باشند، طبق مقررات بانک استفاده می‌نمایند و به موجودی این‌گونه حساب‌ها هیچ سودی تعلق نمی‌گیرد. وجوه فراهم‌شده از ناحیه این حساب‌ها مطابق ماهیت عقد قرض به مالکیت بانک درآمده، جزء منابع بانک خواهد بود.

در این مقاله ضمن بررسی ماهیت سپرده در قالب عقود معین قرارداد قرض، ودیعه، ودیعه ناقص و صلح، به کمک مطالعات پیشین و تحلیل محتوا و رفتارشناسی بانک و مشتریان، چنین استنتاج شده است که ماهیت سپرده جاری را می‌توان در قالب قرارداد صلح تصحیح کرد.

۲. تحلیل فقهی سپرده جاری بانکی

بانکداری متعارف خود را ملزم به اصول و قواعد خاص شریعت نمی‌داند و اگر به ربا یا سایر محذورات شرعی مبتلا باشد، مانعی در فعالیت‌ها به وجود نمی‌آید. ولی در قانون عملیات بانکی بدون ربا و طرح پیشنهادی بانکداری جمهوری اسلامی ایران، حساب جاری در قالب قرض آمده است. اما بررسی‌های اجمالی نشان می‌دهد که احتمالات متعددی در مورد ماهیت سپرده جاری می‌تواند مطرح باشد که برخی از آنها عبارتند از: ۱. قرض، ۲. ودیعه، ۳. ودیعه ناقص، ۴. ودیعه با اجازه تصرف، ۵. صلح که در ادامه هر یک از موارد بررسی شده تا مناسب‌ترین گزینه انتخاب گردد.

۲.۱. قرض بدون بهره

معنای مشهور، معروف و شایع «قرض»، قطع کردن و بریدن است (ابوجیب، ۱۴۰۸ق: ۳۰۰). در فقه امامیه اگرچه از تعاریف مختلفی استفاده شده، اما مقصود

یکسان است و بر این تعریف اتفاق نظر دارند که قرارداد قرض قراردادی است که در آن مالی را در ازای ضمان، ملک دیگری کنند (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۱۴۹). معادل عربی ترکیب قرض الحسنه، القرض الحسن است (جُرّ، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۶۲۸) و مقصود از القرض الحسن هم آن است که از مال حلال بوده و منت، اذیت و ربا را به دنبال نداشته باشد (قرشی، ۱۳۸۶: ج ۵، ص ۳۰۷). قرض الحسنه از عقود معوضه است که به واسطه آن مالی از ملکیت قرض دهنده خارج و به قرض گیرنده منتقل می شود و در مقابل ذمه قرض گیرنده، به بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن مال، مشغول می شود. متشرعین نیز قرض صحیح غیر ربوی را با تأسی از قرآن کریم، قرض حسن و قرض الحسنه نامیده اند. بنابراین مقصود از قرض الحسنه، قرض صحیح شرعی و غیر ربوی است که گاهی به صورت مطلق، قرض آمده و در برخی موارد وصف «الحسنه» به آن اضافه شده است (حبیبیان نقیسی، ۱۳۸۲: ۳۳). البته اصطلاح قرض الحسنه در قرآن و روایات به کار نرفته و ترکیب قرضاً حسناً که در قرآن به کار رفته (بقره: ۲۴۵؛ مائده: ۱۲؛ حدید: ۱۸ و ۱۱؛ تغابن: ۱۷)، به معنای اتفاق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۲۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۸۴). از این رو در این نوشتار مقصود از قرض الحسنه، قرض صحیح شرعی و غیر ربوی است که گاهی به صورت مطلق قرض آمده و در برخی موارد وصف «الحسنه» به آن اضافه شده است و هر گاه مقصود غیر آن باشد، به صورت روشن، مقید خواهد شد؛ نظیر قرض ربوی. البته باید توجه داشت که نگاه به قرض الحسنه به عنوان یک رفتار اقتصادی، برخاسته از انگیزه های ایمان، ایثار، گذشت و نوع دوستی است. با چنین تحلیلی در صورتی سپرده قرض الحسنه جاری صحیح است که قرض دهنده برای کسب پاداش معنوی به فرد نیازمند قرض بدون بهره بدهد و چنانچه با اغراض دیگری چون حفظ پول، تسهیل در معامله، نقل و انتقال وجوه و ... مبلغی را به بانک یا غیر آن بسپارد، اگرچه قرض بدون بهره و از نظر اسلام مجاز و مشروع است، اما عنوان قرض الحسنه بر آن صدق نمی کند (موسویان، ۱۳۸۲: ۶۱).

در این قرارداد بر عهده قرض گیرنده است که خود آن مال یا مثل یا قیمت آن را در موعد مقرر بپردازد. از آنجا که به این سپرده‌ها سودی پرداخت نمی‌شود، ماهیت قرض بدون بهره داشته و مشروع خواهد بود. حضرت امام خمینی (ره) درباره این سپرده‌ها می‌فرمایند: «سپرده‌های بانکی اگر به عنوان قرض باشد و نفعی در آن قرار نشود، اشکال نداشته و برای بانک‌ها جایز است که در آن تصرف کنند. اما اگر نفع (اضافه) شرط شود، قرارداد نفع حرام و باطل بوده، ولی اصل قرض صحیح است و بانک‌ها می‌توانند آنچه دریافت می‌کنند، تصرف کنند» (جامعه مدرسین، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

۲.۱.۱. ویژگی‌های قرض

الف) قرارداد قرض به ایجاب و قبول نیاز دارد، ولی لازم نیست به زبان عربی باشد.
 ب) معاطات در قرض جایز است.
 د) قبض و اقباض در قرض ضروری است و مقترض تنها پس از قبض است که مالک مال قرضی می‌شود (تصرف مقترض در مال شرط ملکیت وی نیست).
 ه) قرارداد قرض از قراردادهای لازم است؛^۱ بنابراین نه قرض‌دهنده حق فسخ و رجوع به عین قرضی را دارد و نه در قیمیات، قرض‌گیرنده حق فسخ و برگرداندن عین قیمی را دارد. همچنین اگر برای قرض، زمان معین شده باشد، قرض‌دهنده پیش از سررسید، حق رجوع به مقترض را ندارد. البته پس از سررسید، قرض‌دهنده می‌تواند به مقترض مهلت ندهد.

۱. در مسئله لزوم و جواز عقد قرض میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. مرحوم صاحب جواهر معتقد است عقد قرض، جایز است و اشتراط مدت، لزوم وفا ندارد. وی این دیدگاه را به مشهور فقها نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «میان اصحاب شهرت عظیمی در این باره هست، بلکه تا پیش از فیض کاشانی خلافتی در مسئله نیافتم» (نجفی، ۱۴۱۶ق: ج ۲۵، ص ۳۰). اما بسیاری از فقهای متأخر همچون فیض کاشانی، بحرانی، سبزواری، مقدس اردبیلی، خوانساری، اصفهانی، بروجردی، خویی و شهید صدر، به لزوم آن معتقدند و امام خمینی اعتقاد دارد که اگر در قرارداد قرض، مدت معین شود، باید تا رسیدن مهلت صبر کرد (جامعه مدرسین، ۱۳۸۰: ۲۶۹).

و) مالی که قرض داده می‌شود، باید معین باشد؛ بنابراین مال مبهم (مانند اینکه گفته شود یکی از این دو) را نمی‌توان قرض داد؛ چنان‌که باید مقدار آن نیز به کیل یا وزن یا عدد معلوم باشد.

ز) شرط زیاده در قرارداد قرض حرام و باطل اما خود قرارداد صحیح است؛ خواه شرط زیاده به صورت صریح یا به صورت ضمنی باشد. البته دریافت کارمزد از جانب مؤسسه‌های مالی جایز است.

ح) میان انواع زیاده تفاوتی نیست؛ خواه آن زیاده عینی باشد یا شرط انجام کاری مانند خیاطی یا شرط انتفاع از مال رهنی. در مال قرضی هم تفاوتی ندارد که مکمل موزون یا معدود باشد.

بر اساس آنچه درباره قرارداد قرض ارائه شد، می‌توان این قرارداد را قراردادی تملیکی معاوضی و تبرعی دانست. این قرارداد تملیکی است؛ زیرا قرض‌دهنده در این قرارداد مال خود را به ملکیت قرض‌گیرنده درمی‌آورد. معاوضی بودن آن نیز به این دلیل است که قرض‌گیرنده در ضمن آن متعهد می‌شود عوض مال قرضی را به قرض‌دهنده بازگرداند. دلیل تبرعی بودن عقد قرض نیز این است که معاوضه صرف نیست، بلکه معمولاً همراه با نوعی ایثار و تبرع است و به قصد پاداش الهی صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه در این نوع سپرده توافق این است که گیرنده، مال را مصرف کند و بعد مثل آن را تهیه و رد کند، به همین دلیل رابطه حقوقی سپرده‌گذار با بانک در سپرده جاری، قرض بدون بهره است؛ یعنی سپرده‌گذار مبلغی را به بانک واگذار و تملیک می‌کند و بانک متعهد می‌شود که هنگام درخواست مشتری همان مبلغ را بازگرداند.

۲.۱.۲. نقد و بررسی

با توجه به اینکه اشخاص حقیقی و حقوقی با افتتاح حساب جاری، وجوه اضافه بر نیاز خود را به بانک سپرده و دسته‌چک دریافت می‌کنند تا در وقت مناسب با

استفاده از خدمات حساب جاری در مبادلات پولی خود استفاده کنند و از آنجا که انگیزه سپرده‌گذاران این حساب، نگهداری وجوه و تسهیل در مبادلات پولی از طریق این خدمات بانکی است، به‌کارگیری تعبیر قرض‌الحسنه صحیح نیست. به نظر می‌رسد اطلاق عبارت بر این حساب‌ها ناشی از این پندار است که هر قرض بدون بهره‌ای، قرض‌الحسنه است؛ در حالی که این اشتباه است.

مطابق مضمون آیات و روایات، قرض‌الحسنه جایی است که قرض‌دهنده برای کسب اجر معنوی به فرد نیازمندی کمک کرده و به او قرض بدون بهره می‌دهد. ضمن اینکه در آیات قرآن کریم واژه قرض‌الحسنه بنا به تفاسیر معروف تعبیر به انفاق در راه خدا شده است و ارتباطی به معنای حقوقی آن ندارد. همچنین در روایات نیز به‌ندرت از واژه قرض‌الحسنه استفاده شده است. در کتاب وسائل الشیعه فقط در یک مورد واژه قرض‌الحسنه به‌کار رفته است. این واژه در صدر اسلام چندان کاربرد نداشته و عموماً از واژه قرض استفاده می‌شده و در کتب فقها نیز تحت همین عنوان وارد شده است. ولی در عرف امروز واژه قرض‌الحسنه مفهوم اخلاقی خاصی پیدا کرده و قرضی را می‌توان قرض‌الحسنه دانست که با نیت خیر و انگیزه الهی و معنوی همراه باشد (رجایی، ۱۳۷۵: ۸۸). بنابراین اگر قرض‌دهنده با اغراض دیگری چون حفظ پول، تسهیل در معاملات، و نقل و انتقال وجوه مبلغی را به بانک یا غیر آن قرض دهد؛ اگرچه قرض بدون بهره است و از نظر اسلام مجاز و مشروع، لیکن عنوان قرض‌الحسنه بر آن صدق نمی‌کند. به عبارت دیگر تحقق قرض نیاز به قصد و انشای تملیک دارد و بدون قصد تملیک در برابر عوض در ذمه، قرض محقق نمی‌شود (خویی، ۱۴۰۸ق: ۳). این در حالی است که چنین قصدی در سپرده جاری وجود ندارد.

تصرف بانک در سپرده جاری تصرف یک‌جانبه و ریسکی است از سوی بانک، نه به استناد موقعیت قرض‌گیرنده؛ بنابراین نمی‌توان آن را به سپرده‌گذار، ربط داد و

اراده وی را به جای سپرده جاری به قرض تغییر کرد. بنای سپرده‌گذار قرض دادن نیست؛ چنان‌که بانک نیز این سپرده را به‌عنوان قرض دریافت نمی‌کند. شاهد این مطلب چند چیز است: درخواست کارمزد از صاحب حساب در برخی موارد، احتیاط زیاد بانک در استفاده از سپرده، اقدام فوری در پرداخت وجه درخواستی (احمدی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

در نهایت باید اذعان نمود شبهه مطرح در سپرده جاری به دلیل آنکه نمی‌دانیم سپرده، مصداق قرض است یا از نوع شبهه موضوعیه می‌باشد. در شبهه موضوعیه، مرجع عرف است، نه شارع و مرجع تقلید. در چنین مواردی علما فرموده‌اند که تا موضوع احراز نشود، حکم داده نمی‌شود؛ بدین بیان که در ترتیب آثاری که روی یک موضوع و مفهومی بر یک مصداق خارجی اشاره کرده، احراز و علم به مصداقیت آن برای آن مفهوم ضروری است^۱ (غروی نائینی، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ص ۵۷۴).

به بیان روشن‌تر اگر مفاد سپرده‌های جاری را قرض بدانیم، اولاً با ارتکاز ذهنی سپرده‌گذاران که قصد انتقال ملکیت پولشان را ندارند، تنافی دارد. ثانیاً اگر بانک متعهد به ارائه خدمات مجانی برای دارندگان حساب جاری شود که غالباً چنین است، قرض مشروط به زیاد می‌شود که ربای حکمی است.

۲.۲. ودیعه

یکی از دیدگاه‌های مطرح درباره ماهیت سپرده‌ها این است که سپرده جاری همان‌گونه که از نامش پیداست، ودیعه است که معادل فارسی سپرده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۸، ذیل سپرده). ودیعه در لغت به مالی گفته می‌شود که به‌منظور حفظ و حراست به دیگری سپرده می‌شود و با توجه به اینکه کلمه ایداع به معنای استحفاظ می‌باشد، برخی حقیقت ودیعه‌گذاری را نایب گرفتن در حفظ و نگهداری

۱. «بل لابد من العلم بكون الشيء مصداقا للمفهوم في مقام ترتيب الآثار».

(امانتداری) می‌دانند. به لحاظ اصطلاحی نیز غالب فقهای شیعه، عقد ودیعه را به نایب گرفتن برای حفظ و نگهداری مال تعریف کرده‌اند (طریحی، ۱۴۱۶ق: ۲۳).

ودیعه یا سپرده نوعی امانت در قالب قراردادی است که در آن شخصی مال خود را نزد دیگری می‌سپارد تا او به‌طور رایگان از آن نگهداری کند. ودیعه‌گذار در اصطلاح مودع و گیرنده ودیعه مُستودع نامیده می‌شود. در ماده ۶۰۷ قانون مدنی آمده است: «ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد، برای آنکه آن را مجاناً نگاه دارد. ودیعه‌گذار مودع و ودیعه‌گیر را مستودع یا امین می‌گویند».

فقیهان امامیه ودیعه را «استِنابَه در حفظ مال» نامیده‌اند (نجفی، ۱۴۱۶ق: ج ۲۷، ص ۱۹۸) که به معنی نایب (جانشین) قرار دادن «امین» از سوی مالک برای حفظ مال است. تفاوت ودیعه با عقودای نیابتی دیگر این است که وظیفه متعهد فقط حفظ مال است، به همین جهت آن را امانت خاص نامیده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۹-۸). ودیعه عقدی جایز است و دو طرف هرگاه بخواهند می‌توانند آن را برهم زنند (ماده ۶۱۱ قانون مدنی).

برای وقوع عقد ودیعه گفتن صریح موضوع لازم نیست؛ بلکه کافی است قرائن نشان دهد یا عرف حکم کند که تعهد به نگهداری قصد طرفین از سپردن مال بوده، چنان‌که در هنگام تحویل البسه و اتومبیل و لوازم دیگر در مهمانسراها، رستوران‌ها، پارکینگ‌ها، حمام‌های عمومی و اماکن عمومی دیگر لفظ یا نوشته‌ای رد و بدل نمی‌شود؛ ولی عرف آن را «تعهد به نگهداری از مال» می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۲).

۲.۲.۱. ویژگی‌های ودیعه

مقررات مربوط به ودیعه در حقوق ایران در مواد ۶۰۷ تا ۶۳۴ قانون مدنی آمده است.

الف) عدم جواز تصرف: مال ودیعه داده‌شده در مالکیت صاحب آن باقی می‌ماند و ودیعه‌پذیر هیچ‌گونه مالکیتی نسبت به آن ندارد. تصرف و استفاده از مال مورد

ودیعه از سوی ودیعه گیر جز اعمالی که برای حفظ آن ضرورت دارد، مجاز نیست؛ مگر آنکه از سوی مالک اجازه داشته باشد (امام خمینی، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۱۳۱؛ ماده ۶۱۷ قانون مدنی). در غیر این صورت ید امانی ودیعه گیر به ید ضمانی تبدیل می شود و او باید اجرت المثل پرداخته و اگر آسیبی به مال وارد آید، مسئول است؛ هرچند تقصیری نداشته باشد.

ب) رایگان بودن: نگهداری مال مورد ودیعه باید به طور مجانی باشد. اگر امین برای این کار پولی طلب کند، آن عقد جعاله خواهد بود. همچنین زمانی که مال به منظور انتفاع گیرنده داده شده و نگهداری جنبه فرعی داشته باشد، قرارداد عاریه یا اجاره یا واگذاری حق انتفاع خواهد بود. همچنین در موردی که مالی به منظور فروش یا تعمیر به دیگری سپرده شود، عقد وکالت (از جمله نمایندگی های تجاری مانند عاملی) یا اجاره محقق شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۱).

ج) استرداد خود مال مورد ودیعه: مستودع حتماً باید عین مالی را که به او سپرده شده، برگرداند. اگر توافق این باشد که گیرنده مال را مصرف کند و بعد مثل آن را تهیه و رد کند. چنین توافقی ودیعه نخواهد بود (احتمالاً قرض محسوب می شود). این مفهوم از واژگان «سپردن» و «نگهداری» و تعریف مشهور «استنابه فی الحفظ» در فقه و همچنین دلالت صریح «علی الید ما اخذت حتی تؤدی» استنباط می شود.

اگر ودیعه پذیر در وظایف مربوطه کوتاهی نکند و خساراتی متوجه مال مورد ودیعه گردد، وی ضمانت و مسئولیتی ندارد.

فقیهان شیعه قرارداد ودیعه را از جمله قراردادهای جایز برشمرده و احکام و آثار عقود جایز را بر آن مترتب می سازند؛ ازاین رو طرفین قرارداد هر زمان که بخواهند، می توانند قرارداد را فسخ کنند و مال را به صاحب خود برگردانند (یزدی، ۱۴۲۸ق: ج ۳، ص ۳۱).

اراده و هدف اصلی طرفین در پیمان ودیعه دو چیز است: الف) محافظت و نگهداری مال، ب) بازگرداندن مال به مالک موقع درخواست. برخی معتقدند: چنین اراده و هدفی در سپرده جاری موجود است. تصرف بانک با اجازه ضمنی سپرده‌گذار و دلالت عرفی باعث نمی‌شود که اراده سپرده‌گذار و منظور اصلی سپرده‌گذاری که نگهداری آن است، به اراده و منظور دیگری همچون قرض دادن تبدیل شود (عبدالله امین، ۱۳۶۷: ۲۰۶). رد مثل و معادل وجوه سپرده‌شده، نه عین آنها با ودیعه بودن منافاتی ندارد؛ زیرا از نظر عرف مثل پول با عین پول یک چیز است؛ چون مالیت آن مقصود است، نه عین فیزیکی آن (احمدی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۵۲). بنابراین می‌توان ادعا کرد که از نگاه سپرده‌گذار و عرف، این نوع قرارداد از مصادیق ودیعه به شمار می‌آید.

برخی از فقها معتقدند: سپرده‌های جاری در بانکداری اسلامی به معنی فقهی آن ودیعه است و عنوان قرض بر آن صدق نمی‌کند؛ زیرا رابطه مالک با سپرده‌اش قطع نشده و در ملک مالک باقی است؛ از این رو تضمینی بر آن نیست. هرچند بانک به دلیل تقویت اطمینان سپرده‌گذارها متعهد می‌شود که در صورت خسارت و تلف سپرده از سوی عامل بدون افراط و تفریط ضامن خسارت وارده است (فیاض، ۱۳۸۹: ۵۰). اگر در ودیعه شرط ضمان نمایند (حتی جایی که تعدی و تفریط نکنند)، به نظر برخی از فقها، شرط صحیح است و عقد را باطل نمی‌کند (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۲۹۷).

۲.۲.۲. نقد و بررسی

یک بررسی تطبیقی ساده بین ویژگی‌های سپرده‌های بانکی و عقد ودیعه نشان می‌دهد تفاوت‌های اساسی و معناداری بین آن دو است. در سپرده‌های بانکی برخلاف ودیعه، وجوه سپرده‌گذاری شده به ملکیت بانک درآمده، از منابع بانک شمرده می‌شود و بانک تصرفات مالکانه می‌کند؛ در حالی که در ودیعه تملیک نیست، بلکه وکالت در حفظ مال است. در این سپرده‌ها برخلاف ودیعه بانک هیچ تعهدی به برگرداندن عین اموال ندارد، بلکه گاهی همان‌جا پس از دریافت از سپرده‌گذار به مشتری دیگری

واگذار می‌کند و نکته آخر اینکه در سپرده‌های بانکی برخلاف عقد ودیعه بانک ضامن سپرده‌هاست که حق تصرف در ودیعه را ندارد و متعهد است تحت هر شرایطی اموال را حفظ و عین اموال سپرده‌گذاری شده را به سپرده‌گذاران برگرداند.

به نظر می‌رسد این تشابه اسمی به اعتبار دوران اولیه صرافی‌ها و بانکداران باشد؛ زمانی که افراد برای حفظ پول‌های طلا و نقره خود، آنها را نزد صرافان مورد اعتماد ودیعه‌گذاری می‌کردند و هنگام نیاز، آنها را تحویل می‌گرفتند. اما با گسترش جوامع و تکامل معاملات بانکی و ابداع راه‌های به‌کارگیری سپرده‌ها، ماهیت حقوقی سپرده تحول یافت، هرچند اسم اولیه خود را حفظ کرد (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۲۹۵).

به بیان روشن‌تر اگر مفاد سپرده‌های جاری را ودیعه بدانیم، اولاً با ارتکاز ذهنی بانک و سپرده‌گذاران که قصد استفاده از منابع (نه حفظ و نگهداری) را دارند، تنافی دارد؛ به‌طوری‌که گاهی بانک جلو چشم مشتری منابع سپرده‌گذار را به دیگری می‌دهد و او هیچ اعتراضی ندارد. ثانیاً در قرارداد ودیعه، ودیعه‌پذیر تعهد حقوقی (تضمین) در قبال تلف منابع بدون افراط و تفریط ندارد. این در حالی است که در سپرده‌های جاری تعهد حقوقی بانک به بازگرداندن سپرده، اصل مسلم است.

۲.۳. ودیعه ناقص

نظر دیگری که در مورد سپرده‌های جاری وجود دارد، این است که این نوع حساب‌ها حکم ودیعه ناقص را دارند. ودیعه ناقص ودیعه‌ای است که در آن ودیعه‌پذیر، مالک مال به‌ودیعه‌گذاشته شده می‌شود و ملزم به بازگرداندن مثل آن است. در این نوع ودیعه، گیرنده، آن را به تملک خود در می‌آورد و فقط ملزم به برگرداندن مثل آن می‌باشد؛ برخلاف ودیعه کامل که گیرنده ودیعه مالک آن نمی‌شود. همچنین این عنوان با قرض متفاوت است؛ زیرا بانک هر چند مالک مبلغ سپرده شده در حساب می‌شود و اجازه استفاده از آن را دارد، اما همواره معادل آن را در خزانه‌اش نگهداری می‌کند. بر این اساس، این گروه معتقدند در سپرده بانکی وجوه

سپرده‌گذاری شده به مالکیت بانک درمی‌آید و بانک متعهد به برگرداندن مثل آنهاست. این گروه در تفاوت میان ودیعه ناقص با قرض، می‌گویند: در ودیعه ناقص، ودیعه‌پذیر باید همیشه مثل مال ودیعه‌شده را داشته باشد تا اگر ودیعه‌گذار آن را مطالبه کرد، بپردازد (عبدالله امین، ۱۳۶۷: ۱۹۸).

۲.۳.۱. نقد و بررسی

در نقد این نظریه می‌توان گفت: اولاً وقتی بانک مالک سپرده شد، به مقتضای مالکیت حق تصرف در آن را دارد و الزام آن به نگهداری مثل سپرده بی‌معناست و بانک‌ها نیز چنین رفتاری با سپرده‌ها ندارند و فقط در حد چند درصد ناچیز برای مراجعات احتمالی نگهداری می‌کنند (فرزین‌وش و فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱: ۳۳). ثانیاً در تعریف و ویژگی‌های قرارداد قرض نگهداری دائمی مثل مال قرض داده‌شده، حتی به نحو شرط در ضمن قرارداد باعث خروج از قرارداد قرض و به وجود آمدن قرارداد جدیدی به نام ودیعه ناقص نمی‌شود. بنابراین سپرده بانکی ودیعه ناقص نیست و بر فرض که چنین باشد، ماهیت ودیعه ناقص چیزی جز قرض نیست (موسویان، ۱۳۹۰: ۲۸۸). ثالثاً در متون شرعی، چنین عنوانی نیامده و پیمانی با این نام و مشخصات، موضوع حکمی واقع نشده تا بتوان قرارداد سپرده نقدی در بانک را در این پیمان داخل کرد و احکام آن را بر این سپرده جاری دانست (احمدی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۵۶). برخی حتی به کار بردن نام ودیعه بر آن را صحیح نمی‌دانند؛ زیرا تا هنگامی که سپرده‌پذیر اجازه تصرف در آن را دارد، تعهد نگهداری عین از او ساقط است؛ چراکه ودیعه، با استفاده از بین می‌رود و بر این اساس، باید از طرح عنوان ودیعه بر آن خودداری کرد (عبدالله امین، ۱۳۶۷: ۵۴).

۲.۴. ودیعه همراه با اذن تصرف

به کار بردن نام «سپرده» برای پول‌هایی که به بانک داده می‌شود، مفهوم امانت و ودیعه را به ذهن متبادر می‌کند؛ به ویژه این که به طور سنتی، بانک‌ها خود را امین سپرده‌گذاران معرفی می‌کنند. امام خمینی (ره) این احتمال را قابل طرح دانسته‌اند که قالب پذیرش سپرده‌های جاری را قرارداد ودیعه همراه با اذن تصرف بدانیم. از نظر ایشان اگر سپرده‌های بانکی در قالب ودیعه همراه با اجازه تصرف یا رضایت از آن پذیرفته شوند، بانک می‌تواند در آنها تصرف کند. در این حالت چون مالکیت سپرده‌گذار باقی است، وجوهی که بانک به سپرده‌گذار پرداخت می‌کند، حلال است، مگر آنکه اجازه در چنین تصرفاتی قرینه بر قرض بودن باشد که در این صورت زیادی حرام است. از نظر ایشان اگر بگویند که سپرده‌گذار به بانک اجازه تصرف در امانت را نداده باشد، بانک حق تصرف در آن را ندارد و در صورت تصرف ضامن است (خمینی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۵۵۸).

برخی دیگر از فقها بیان کرده‌اند که اگر مالک، اذن در تصرف همراه با ضمان داده باشد؛ مقتضای قاعده صحت تجارت است و سود حاصل از تجارت به ملکیت ودعی تاجر درمی‌آید (خوانساری، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ص ۴۳۳). بنابراین ماهیت حقوقی سپرده جاری، ودیعه همراه با اذن تصرف و ضمان به مثل آن خواهد بود. در حقوق کشور فرانسه مرسوم شده است که سپردن پول و سایر اوراق تجارتي مثلی را به بانک «ودیعه برخلاف قاعده» بنامند.

۲.۴.۱. بررسی

از احکام ودیعه در قانون مدنی چنین برمی‌آید که ودیعه دارای دو وصف اصلی است:

الف) نگهداری از مال مورد ودیعه که به مالکیت مودع باقی می‌ماند و نیابت حفظ آن به امین داده می‌شود.

ب) تعهد مربوط به رد عین مال به مودع، هر چند که عیب و نقصی در آن حاصل شده باشد.

در حساب‌های سپرده هیچ‌یک از این دو وصف دیده نمی‌شود؛ زیرا صاحب سپرده با دادن پول، آن را به بانک تملیک می‌کند و بر همین مبنا بانک حق می‌یابد که به دلخواه خویش و بر مبنای قوانین پولی و بانکی، از سپرده‌ها استفاده کند. در مقام رد مال نیز بانک تعهدی به دادن عین آن ندارد و باید مثل آنچه را که گرفته است، به مالک بدهد. به بیان دیگر، بانک ضامن به مثل می‌شود، نه متعهد به رد عین. پس چگونه می‌توان نام چنین قراردادی را ودیعه گذاشت؟

به کار بردن اصطلاح «ودیعه برخلاف قاعده» در صورتی امکان دارد که جوهر ودیعه حفظ شود و در یکی از احکام با آن متفاوت باشد. بی‌گمان در بسیاری موارد، یکی از هدف‌های اصلی صاحب سپرده این است که پول خود را در محلی مطمئن بگذارد تا از گزند حوادث مصون بماند؛ ولی این انگیزه برای حفظ ارزش مال است، نه عین آن و چنین جهتی برای اعطای وصف «ودیعه» به این رابطه حقوقی کافی به نظر نمی‌رسد.

یکی از فقها نیز بیان داشته است که عنوان حاکم بر سپرده‌ها (از جمله سپرده جاری) در بانک‌های ربوی به دو دلیل ودیعه نیست، بلکه ماهیت حقوقی آنها قرض است: الف) سپرده در ملک سپرده‌گذار باقی نیست. ب) اجازه تصرفی که مالک سپرده به بانک می‌دهد، به این معناست که بانک سپرده را از باب ضمان به مثل، مالک گردد و این همان قرض است و به تبع آن در نظر گرفتن سود برای آن، ربا و سود قرض محسوب می‌شود (فیاض، ۱۳۸۹: ۴۸).

۲.۵. صلح

صلح در لغت به معنی آشتی، توافق و سازش کردن است (معین، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۲۱۶۰). در آیات قرآن کریم (نساء: ۳۵، انفال: ۱؛ حجرات: ۹) هرگاه از صلح

بحثی شده، مسبوق به تنازع بوده و بسیاری از روایات باب صلح نیز برای سازش و توافق دعوایها وارد شده است (حر عاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۸، ص ۴۴۵). ارتکاز عرفی از صلح نیز مؤید همین معنی می‌باشد. در حقوق پاره‌ای از کشورها عقد صلح تنها به منظور دفع ترافع و پایان دادن به دعوا به کار رفته است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۲۸).

در معنی اصطلاحی صلح نیز می‌توان گفت: صلح قراردادی است که در آن یک طرف معامله با طرف دیگر سازش کند که مقداری از عین مال یا منفعت آن را به او تملیک کند یا از طلب یا حق خود در مقابل عوض معین بگذرد (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۵۶۱). امام خمینی کاربرد این قرارداد را تقریباً در همه موارد جایز می‌داند، مگر اینکه به حلال کردن حرامی یا حرام کردن حلالی بینجامد. از نظر فقهای شیعه، عقد صلح قراردادی است که بر اساس آن متعاقدان بر تملیک عین یا منفعت یا اسقاط دین یا حقی با یکدیگر تسالم تراضی و سازش می‌کنند (همان: ص ۲۶۲، مسئله ۱۲). آنها صلح را عقد مستقلی می‌شمرند و لازم نمی‌دانند که مسبوق به نزاع میان دو متصالح باشد (شهید الثانی، ۱۴۱۳ق: ۲۵۷). ظاهر کلام شهید، اتفاق فقهای امامیه بر استقلال صلح و عدم لزوم سبق خصومت در صحت آن است.

قرارداد صلح برای هر دو طرف قرارداد لازم است و فقط با اقاله یا خیار می‌توان آن را فسخ کرد. حتی در مواردی که صلح فایده عقد جایزی مانند هبه را دارد باز هم عقدی لازم است (محقق حلی، بی تا: ج ۲، ص ۹۹).

صلح قراردادی مستقل و عنوانی جداگانه است که قابلیت انعطاف‌پذیر دارد و می‌تواند جایگزین تمام عقود لازم و جایز و عقود معاوضی و مشارکتی شود. برای نمونه اگر جایگزین بیع شود، عقدی معاوضی و تملیکی است؛ چنانچه جایگزین هبه شود، عقدی تملیکی است؛ اگر جایگزین اجاره شود، عقدی معاوضی است؛ اگر جایگزین مضاربه شود، عقدی مشارکتی است و ... ولی در همه این موارد عقدی لازم است که جز با رضایت دو طرف یا وجود خیار قابل فسخ نخواهد بود.

این ویژگی ما را قادر می‌سازد در مواردی که اجرای عقود دیگر به هر دلیل امکان‌پذیر نیست یا دو طرف مایل به انعقاد آن نباشند، به‌جای آنها تا زمانی که به حلال کردن حرامی یا حرام کردن حلالی نینجامد، از قرارداد صلح استفاده کنیم. موارد زیر برخی از کاربردهای عقد صلح به جای عقود دیگر است:

(الف) هرگاه قراردادی به دلیل نبودن برخی شرایط خاص باطل باشد، می‌توان به‌جای آن از عقد صلح استفاده کرد؛ مانند بیع دین به دین، بیع کالی به کالی، بیع سلف پیش از سررسید، بیع سلف بدون قبض همه ثمن در مجلس عقد یا مضاربه با سرمایه غیرنقدی که همگی باطل هستند، می‌توان به‌جای آنها بدون محدودیت از قرارداد صلح استفاده کرد.

(ب) هرگاه قراردادی جایز است، اما متعاقدان به هر دلیل (همچون ایجاد امنیت سرمایه یا امنیت شغل و کسب و کار) مایل هستند که قرارداد از وصف «لزوم» برخوردار باشد، می‌توان از قرارداد صلح استفاده کرد. بنابراین می‌توان صلح را به‌جای عقود جایزی مانند مشارکت، مضاربه و جعاله به کار برد.

(ج) اگر قراردادی از نظر نوع معامله یا لزوم و جواز آن مبهم و محل اشکال باشد، می‌توان از قرارداد صلح استفاده کرد. برای نمونه فقها معتقدند مضاربه به تجارت اختصاص دارد، بنابراین در غیر تجارت می‌توان به جای مضاربه قرارداد صلح را به کار برد.

البته اینکه در یک ساختار نظام‌مند تا چه اندازه می‌توان از چنین ابزاری برای تنظیم مبادلات تجاری جامعه استفاده کرد، محل تأمل است. به عبارت دیگر در سطح خرد حتماً می‌توان از این ابزار برای رفع پاره‌ای از مشکلات و تأمین برخی از خواسته‌ها یاری گرفت؛ اما در سطح کلان کاربرد این ابزار محل تأمل است و به بررسی بیشتر و ابداع روش‌های مناسب نیاز دارد تا ضمن حفظ مشروعیت این ابزار، از کارایی نظام مالی کاسته نشود.

مناسب است امکان‌سنجی فقهی سپرده جاری در قالب قرارداد صلح بر اساس پاسخ به چند سؤال بررسی شود.

الف) آیا عقد صلح صرفاً در مواردی کاربرد دارد که مسبوق به اختلاف و منازعه باشد؟

انصراف و ارتکاز اولیه از کلمه صلح ذهن را معطوف مواردی می‌کند که مسبوق به اختلاف و تنازع باشد. چون بدون سابقه اختلاف، از دید عرف، صلح بی‌معنی خواهد بود؛ چنان‌که برخی از فقها در تعریف صلح گفته‌اند که عقد صلح برای رفع تنازعات (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۱: ۱۲۷) و قطع تجاذب (محقق حلی، ۱۴۳۰: ۱۷۶) تشریع شده است. ممکن است گفته شود معنای لغوی، آیات و روایات وارده در مورد صلح و تعریف اصلاحی صلح از سوی برخی از فقهای عظام تردید باقی نمی‌گذارد که مفهوم صلح از هدف اصلی تشریع آن یعنی توافق، تسالم و سازش پس از تنازع سرچشمه می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۹۸).

این موضوع مورد توجه فقهای امامیه و اهل سنت بوده و هست و با صراحت نسبت به آن اظهار نظر نموده‌اند. همان‌طور که بیان شد؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد که شهرت و بلکه اجماع در بین فقهای امامیه بیانگر آن است که عقد صلح لازم نیست مسبوق به نزاع و اختلاف باشد (نجفی، ۱۴۱۶: ج ۲۶، ص ۲۱۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۵۶۱). صاحب جواهر در این باره با صراحت می‌گوید: «ممکن است تشریع یا امضای احکام به واسطه حکمت‌هایی بیان شده باشد، ولی این حکمت‌ها احکام را مقید نکرده‌اند. از این رو می‌توان گفت اگرچه ممکن است تشریع عقد صلح به حکمت رفع تنازع و اختلاف باشد، ولی لازم نیست این قرارداد را صرفاً مقید و منحصر در اموری نماییم که مسبوق به تنازع و اختلاف باشد» (نجفی، ۱۴۱۶: ج ۲۶، ص ۲۱۰-۲۱۱). بر این اساس بسیاری از فقهای امامیه و اهل سنت با استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص) گفته‌اند عقد صلح در همه امور جایز و نافذ است، مگر

آنکه به واسطه آن حلالی حرام و حرامی حلال گردد (حر عاملی، ۱۴۱۲ق) باب ۳ از احکام صلح، حدیث ۲).

ب) آیا عقد صلح قرارداد مستقلی است یا تابع ماهیت واقعی انتقال حاصل شده در خارج می‌باشد؟

به عبارت دیگر آیا عقد صلح قراردادی مستقل است یا قراردادی تبعی است که اگر باعث انتقال عین به عوض معلوم گردد، حکم بیع و اگر موجب انتقال منفعت به عوض معلوم باشد، حکم اجاره را دارا و ... است. با بررسی ادبیات فقه اسلامی می‌توان گفت اگرچه برخی از فقهای امامیه گفته‌اند که صلح عقد مستقلی نیست، بلکه بر اساس ویژگی‌های مصادیق، چنانچه فایده هر عقدی را افاده نماید، همان قرارداد محسوب می‌گردد (طوسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۳۶۷)؛ ولی اغلب فقهای شیعه صلح را عقدی مستقل می‌دانند و حتی برخی ادعای اجماع نموده و این حکم را به مذهب شیعه نسبت داده‌اند (نجفی، ۱۴۱۶ق: ج ۲۶، ص ۲۱۲).

۳. قرارداد صلح در قانون مدنی ایران

قانون مدنی ایران نیز هر دو نکته فقهای شیعه در مورد صلح را پذیرفته است؛ چنان‌که در ماده ۷۵۲ این قانون آمده است: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی یا در مورد معامله و غیر آن واقع شود». در ماده ۷۵۸ این قانون نیز آمده است: «صلح در مقام معاملات، هرچند نتیجه معامله‌ای را که به جای آن واقع شده است می‌دهد، لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد بنابراین اگر مورد صلح عین باشد در مقابل عوض، نتیجه آن همان نتیجه بیع خواهد بود، بدون اینکه شرایط و احکام خاصه بیع در آن مجری شود».

ممکن است گفته شود قرارداد صلح در بسیاری از موارد فایده سایر عقود را افاده می‌کند و تصور عقد مستقلی برای صلح در این موارد توجیه درستی ندارد. در پاسخ می‌توان گفت صرف اینکه قرارداد خاصی فایده قرارداد دیگری را افاده کند، موجب

اتحاد ماهیت دو قرارداد نمی‌گردد؛ به نحوی که احکام آن با هم یکسان باشد؛ چنان‌که کسی احکام هبه معوضه را با بیع متحد نمی‌کند، اگرچه مفاد آنها در خارج یکسان است. چون احکام شرعی تابع عناوین خودشان هستند و هر حکمی که برای موضوع خاصی ثابت می‌شود، برای موضوع دیگر قابل تسری نیست؛ مگر آنکه به دلیل مستقل دیگر حکم آن برای سایر موضوعات اثبات شود (نجفی، ۱۴۱۶ق: ج ۲۶، ص ۲۱۲). بنابراین آنچه از برخی فقهای امامیه نقل شده که عقد صلح مطلقاً همان عقد بیع است (طوسی، ۱۳۸۶: ج ۲۶، ص ۲۱۲) و نیز آنچه از شافعی (شافعی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۲۲۶) منقول است (که اگر بر اثر عقد صلح، عین به عوض معلوم به دیگری منتقل شود، بیع و چنانچه بر انتقال منفعت به عوض معلوم دلالت کند، اجاره؛ و اگر موجبات تسلط بر منفعت بدون عوض را فراهم آورد، عاریه؛ و چنانچه متضمن تملیک عین بدون عوض باشد، هبه می‌باشد) ادعای درستی نیست؛ چون در صلح هیچ‌یک از عقود مذکور توسط طرفین قرارداد قصد نمی‌شود و اگر قصد شوند، با لفظ صلح نمی‌توان عقد بیع یا هبه را منعقد کرد و حتی اگر فایده بیع یا هبه را افاده کند، دلیل نیز بر ثبوت احکام آنها برای صلح نداریم. به علاوه با فرض عدم استقلال عقد صلح، در مواردی که صلح فایده هیچ‌یک از عقود مذکور را افاده نکند، چگونه ادعای مذکور را می‌توان تصحیح کرد؟ پس باید پذیرفت که صلح تابع و فرع عقود دیگر نیست، بلکه خود قرارداد مستقلی است. به هر حال غالب فقهای امامیه و اهل سنت معتقدند که عقد صلح در همه موارد جاری است، مگر آنکه حلالی را حرام یا حرامی را حلال کند و بر مبنای اغلب فقهای امامیه برای انتقال عین یا منفعت در عوض عین یا منفعت، بی‌تردید می‌توان از عقد صلح استفاده کرد، بدون آنکه لزوماً احکام بیع یا اجاره بر آن بار شود. مثلاً برای انتقال محصولات درختان میوه یا سبزیجات و مثل آن قبل از رسیدن به حد بلوغ و مشاهده و قابلیت قیمت‌گذاری حتی در یک سال بدون ضمیمه چیز دیگر

می‌توان از عقد صلح استفاده کرد، در حالی که انتقال آن در قالب قرارداد بیع و سلم جایز نیست (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۵۶۳).

۴. تطبیق عقد صلح بر سپرده‌های جاری

با توجه به مباحث عقد صلح، می‌توان سپرده‌های جاری را در بانک‌های اسلامی به شرح ذیل در قالب قرارداد صلح طراحی و با آوردن ماده واحده‌ای یا در ضمن طرح‌ها و لوایح اصلاح قوانین بانکی تبدیل به قانون کرد. سپس آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی آن به شرح ذیل به نظام بانکی ابلاغ شود تا بانک و سپرده‌گذار بر پذیرش آن مصالحه کنند.

الف) در سپرده‌های جاری مالکیت منابع برای سپرده‌گذار محفوظ است و منابع به مالکیت بانک در نمی‌آید.

ب) بانک حق تصرف در منابع سپرده‌گذار را دارد و ضامن هر نوع تلف منابع در اثر تصرف است.

ج) بانک متعهد است هر زمان که سپرده‌گذار مطالبه کند کل یا بخشی از سپرده را به وی برگرداند.

د) بانک متعهد است هر زمان که سپرده‌گذار کسی را با چک به بانک حواله کند، کل یا بخشی از سپرده را به وی، پرداخت کند.

ه) کلیه منافع حاصل از به‌کارگیری منابع سپرده‌های حساب جاری مال بانک خواهد بود.

و) سپرده‌گذار حق استفاده رایگان یا با کارمزد از خدمات حساب جاری مطابق جدول ابلاغی بانک را خواهد داشت.

با انعقاد قرارداد صلح به صورت یک پکیج (بسته توافقی) بین بانک و سپرده‌گذار، اولاً بانک به‌راحتی می‌تواند در منابع حساب‌های جاری تصرف کند. ثانیاً سپرده‌گذار خیالش راحت است که بانک متعهد است کل پول او را هر زمان که درخواست کند

بپردازد. ثالثاً منافع حاصل از به کارگیری منابع مال بانک خواهد بود. رابعاً سپرده گذار بدون هیچ شبهه ربای حکمی از مزایای خدمات حساب جاری استفاده می کند.

نتیجه

سپرده های جاری در بانکداری اسلامی مبالغ نقدی هستند که افراد می توانند با استفاده از چک در هر زمانی که خواستند از آن برداشت کنند. در بانکداری اسلامی به این نوع سپرده ها هیچ عایدی تعلق نمی گیرد. سپرده گذاران مایل اند جهت حفظ امنیت وجوه و استفاده از خدمات بانکی (همانند پرداخت به وسیله چک و کارت بانکی) از مزایای این سپرده ها برخوردار شوند.

نتایج تحقیق نشان داد که ماهیت حقوقی سپرده جاری با توجه به ارتکاز عرفی، عقد قرض نمی تواند باشد؛ زیرا قصد سپرده گذاران تملیک مال به بانک نیست. از سوی دیگر ماهیت حقوقی سپرده جاری ودیعه نیست؛ به دلیل آنکه اقتضای عقد ودیعه عدم جواز تصرف مالکانه در مال ودعی است. این در حالی است که یکی از اهداف بانک تصرف و کسب سود از سپرده های مذکور است.

به نظر می رسد ماهیت حقوقی سپرده جاری از طریق عقد صلح قابل پذیرش باشد، بدین نحو که:

الف) با اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا، رابطه حقوقی بانک با سپرده گذار از قرارداد قرض الحسنه به صلح تغییر کند.

ب) آیین نامه و دستورالعمل مناسب با قرارداد صلح طراحی و تصویب شود.

ج) بانک با سپرده گذار حساب جاری مصالحه می کنند، مبنی بر اینکه: اولاً منابع مال سپرده گذار باشد. ثانیاً بانک حق تصرف در منابع را داشته باشد و درعین حال متعهد به بازپرداخت سپرده به سپرده گذار باشد. ثالثاً منافع به کارگیری سپرده مال بانک باشد در مقابل سپرده گذار به صورت مجانی یا با پرداخت کارمزد از خدمات حساب جاری بانک استفاده کند.

منابع

الف) فارسی و عربی

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابوجیب، سعدی، (۱۴۰۸ق)، القاموس الفقهی، دمشق: دار الفکر.
۲. احمدی، محمدحسین و سید محمد حسینی، (۱۳۹۲)، راه‌های شرعی سپرده‌گذاری در بانک‌ها، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. بابایی، قادر و دیگران، (۱۳۹۷)، «بررسی ابعاد حقوقی حساب جاری بانکی در حقوق ایران و تطبیقی»، حقوق خصوصی، ش ۱۰.
۴. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۸۱)، ربا: پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. بهمند، محمد و بهمنی، محمود، (۱۳۹۰)، «بانکداری داخلی ۱: تجهیز منابع»، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، چاپ هجدهم.
۶. تسخیری، محمدعلی، (۱۳۸۴)، «جایگاه الفاظ و معانی در قراردادهای مالی»، اقتصاد اسلامی سال پنجم، شماره ۱۸.
۷. توتونچیان، ایرج، (۱۳۷۵)، اقتصاد پول و بانکداری، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۸. توکلی، محمدجواد، (۱۳۹۳)، ساز و کار بانکداری اسلامی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۹. جرّ، خلیل، (۱۳۷۶)، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم.
۱۰. حبیبیان نقیعی، مجید، (۱۳۸۲)، قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۱۱. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء

- التراث، چاپ دوم.
۱۲. حلی، محقق جعفرین حسن، (بی تا)، شرایع الإسلام، قم: منشورات الاعلمی.
۱۳. خوانساری، سید احمد، (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان چاپ دوم.
۱۴. رجایی، مهدی، (۱۳۷۵)، طراحی ابزارهای مالی در نظام مالی بدون ربا، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
۱۵. ریووار، ژان، ۱۳۶۹، تاریخ بانک و بانکداری، ترجمه شیرین هشترودی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۶. سبزواری، سید عبد الاعلی، (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحکام، قم: مؤسسه المنار (دفتر آیت الله سبزواری)، چاپ چهارم.
۱۷. شافعی، الامام محمدبن ادریس، (۱۴۰۹ق)، کتاب الام، بیروت: دار صادر، چاپ دوم.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۲۰. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۱. طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۸۶)، المبسوط، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. عبدالله امین، حسن، (۱۳۶۷)، سپرده های نقدی و راه های استفاده از آن در اسلام، ترجمه رخشنده، تهران: امیر کبیر.
۲۳. عبداللهی، محمود، (۱۳۷۵)، مبانی فقه اقتصاد اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. عزیزی، اکبر، (۱۳۹۷)، «بررسی بانکداری بدون ربا در ایران و مقایسه آن با کشورهای منتخب در بانکداری اسلامی با رویکرد تجهیز و تخصیص منابع»، مجله قانون یار، ش ۸.

۲۵. غروی نائینی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، فوائد الاصول، تقریر محمدعلی کاظمی خراسانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم.
۲۶. فرجی، یوسف، (۱۳۸۴)، پول، ارز و بانکداری، تهران: شرکت نشر و چاپ و بازرگانی.
۲۷. فراهانی فرد، سعید و اسدالله فرزین‌وش، (۱۳۸۱)، «ذخیره قانونی بر سپرده‌های بانکی (ماهیت حقوقی و کارکرد اقتصادی)»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۷.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۵۳)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، عقود معین، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳۰. _____، (۱۳۷۹)، حقوق مدنی (مشارکت‌ها - صلح)، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ پنجم.
۳۱. کاشانی، سید محمود، (۱۳۸۴)، «نارسای‌های حقوقی بانکداری در ایران»، تحقیقات حقوقی، ش ۴۲.
۳۲. ماجدی، علی و حسن گلریز، (۱۳۶۷)، پول و بانک، تهران: مؤسسه بانکداری اسلامی ایران، بانک مرکزی ج.ا.ا.
۳۳. فیاض، محمداسحاق، (۱۳۸۹)، بانک از نگاه اسلام، ترجمه محمدجواد برهانی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۴. محمودی، اصغر و دیگران، (۱۳۹۷)، «بررسی ابعاد حقوقی حساب جاری بانکی در حقوق ایران و تطبیقی»، دو فصل‌نامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، سال پنجم، ش ۱۰.
۳۵. معین، محمد، (۱۳۷۶)، فرهنگ زبان فارسی، تهران: امیر کبیر، چاپ یازدهم.
۳۶. مقدس اردبیلی، احمدبن محمد، (۱۳۷۱)، ارشاد الازدهان الی احکام الایمان (مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان)، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، قم: اسماعیلیان.

۳۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۸ق)، المبانی فی شرح العروه الوثقی، تقریر محمدتقی خویی، قم: لطفی.
۴۰. موسویان و دیگران، (۱۳۹۵)، «تحلیل نظری الگوی بانک اسلامی دبی (راهبردهایی برای اصلاح قانون بانکداری ایران)»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۶۲.
۴۱. موسویان، سید عباس، (۱۳۸۱)، «طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۷.
۴۲. _____، (۱۳۹۰)، طرح تحول نظام بانکی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۳. _____، (۱۳۸۱)، «انواع بانک‌های بدون ربا»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۱۱.
۴۴. میرمعزی، حسین، (۱۳۸۰)، «جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام و الگوی مناسب آن»، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، سال اول، ش ۲.
۴۵. نجفی، شیخ محمدحسن، (۱۴۱۶ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۴۶. نظرپور، محمدتقی و سید عباس موسویان، (۱۳۹۳)، «بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه»، قم: دانشگاه مفید؛ تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴۷. یزدی، سید محمدکاظم، (۱۴۲۸ق)، العروه الوثقی، قم: دار التفسیر.

(ب) انگلیسی

48. Durlauf, Steven N. Steven; Lawrence E., Blume, (2008), The New Palgrave Dictionary of Economics, London: Palgrave Macmillan Ltd.